

ضرورت ایجاد توازن به نفع اقدامات سیاسی

دولت و نهادهای آن مخصوصاً دو وزارت خانه کلیدی کشور و امور خارجه مسئولیت سنگین تری در این زمینه دارند تا توازن را به نفع اقدامات سیاسی در جامعه در قالب حاکمیت گفتمان توسعه سیاسی و شادابی اجتماعی برگردانند.

به گزارش سایت خبری پرسون، نصرت الله تاجیک، دیپلمات بازنشسته و سفیر پیشین ایران در اردن در یادداشتی نوشت:

سلسله تبعات پس از واقعه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ مخصوصاً اقداماتی که رژیم اسرائیل در غزه، سوریه، ایران و لبنان انجام داد تنش را از سطح منطقه ای بالاتر برد که اگر کنترل و مدیریت نشود دامنه آن به سطح بین المللی خواهد رسید.

از سوی دیگر اتفاقاتی که در سوریه افتاد و کاهش سطح بازدارندگی خارجی ایران، مخالفین ایران و مخصوصاً ائتلاف عبری-عربی-غربی را به این نتیجه رسانده که از این موقعیت بهره برداری و آنچه را که نتانیاهاو سر مار خوانده به ظن خود به سنگ بکوبند.

دو نکته در اینجا قابل توجه است: اول آنکه اگر آمریکا و مخصوصاً تیم دونالد ترامپ با اشتباه محاسبه یا فشار عبری-عربی تحولات خاورمیانه را فرصتی برای اعمال رویکردهای هدفمند و یکجانبه علیه ایران قرار دهد اوضاع را پیچیده تر خواهند کرد. ولی چنانچه سیاست آمریکا به سمتی رود که ظرفیت‌های درازمدت ایران در نظر گرفته شود، می توان امیدوار بود این مرحله بدون افزایش تنش به درستی پشت سر گذاشته شود. ایران نیز کارتهایی برای بازی در مقابل این بازی ها در اختیار دارد که باید با دقت و به درستی از آنها استفاده کند. این سخن بدان معنا است که تضعیف بازدارندگی خارجی ایران نباید بزرگنمایی و سبب گمراهی سایر بازیگران شود.

نکته دوم برآورد کشورها از اتفاقات سوریه است که عامل درونی از دست دادن مردم سوریه توسط حکومت بشار اسد بود. اما دو اشتباه استراتژیک عامل بیرونی این واقعه بود:

۱- در طراحی و اجرای عملیات ۷ اکتبر نقش شخصیت بنیامین نتانیاهاو و اهداف شخصی و سیاسی او در رویارویی با گروههای مقاومت و اهداف غرب در این راستا و کمک صد در صدی به وی ملحوظ نشد.

۲- عملیات ۷ اکتبر در بهترین برآورد و حالت در سطح عملیات یکی از گروههای مقاومت بود و در حالیکه سایر گروهها و ایران نه در جریان طراحی و نه در جریان اجرای آن قرار نداشتند درحدی که یک کشور و یا تمامی گروههای مقاومت پشت آن قرار گیرند، نبود.

سوال این است که چرا در دو ماه گذشته بحث احتمال حمله به تأسیسات هسته ای ایران مطرح شده است؟

۱. ترس اسرائیل و همپیمانان غربی و عربی از استفاده ایران از دوران انتقالی در آمریکا، به دلیل این شرایطی که به آن تحمیل شده است.

۲. رقابتها و بده بستانهای دو حزبی. از طرفی دموکراتها نمیخواهند به فرض اینکه ایران در این مدت اقدامی کرد، مخصوصاً در زمینه هسته ای، بهانه دست ترامپ بدهند که در آینده سیاست آنها علیه ایران را زیر سؤال ببرد و از طرف دیگر نمیخواهند بهانه ای هم دست نتانیاهاو بدهند که اقدامی بدون هماهنگی و از سر دشمنی با ایران انجام دهد و دست آنها را در لحظات آخر در پوست گردو بگذارد.

۳. جنگ روانی گروههای ذی نفوذ و مخصوصاً لابی اسرائیلی برای رو در رو و تحت فشار قراردادن ایران و آمریکا. البته ممکن است این استراتژی در پرتو اوضاع خاورمیانه کاربرد و کارکرد هم داشته باشد، اما به نظر می رسد با توجه به پخش اخباری در زمینه تبادل پیام هائی بین ایران و دونالد ترامپ از طریق عمان یا عراق، دو طرف به این بازی توجه دارند، مخصوصاً ایران. پس یکی از اثرات اخبار تبادل پیام بین ایران و ترامپ همین مدیریت اوضاع به هم ریخته منطقه است.

از مقاله آکسیوس به قلم باراک راوید خبرنگار چپ اسرائیلی هم این برمی آید که در جلسه محرمانه ای که در این زمینه در کاخ سفید بوده نه جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی آمریکا تجویزی داشته و نه جو بایدن تصمیمی گرفته و نه قصدی داشته که در لحظات آخر حضور در کاخ سفید دست به اقدامی بزند که فرصتی برای اتمام آن ندارد و می تواند ترامپ را در عمل انجام شده قرار دهد.

این مقاله با عنوان «اقدام نظامی علیه ایران «قمار بزرگ» است» در زمینه نشست محرمانه ماه گذشته «جیک سالیوان» مشاور امنیت ملی کاخ سفید و «جو بایدن» نوشته: او گزینه‌هایی را برای حمله احتمالی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران در صورتی که ایرانی‌ها قبل از ۲۰ ژانویه به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای حرکت کنند، به رئیس‌جمهور ارائه کرده اما بایدن به گزینه‌ها طرح شده تمایلی نشان داده و تصمیمی نگرفته است. او در عین حال با فرض وقوع حمله، خطر انتقال یک درگیری جدید به ترامپ را منتفی ندانسته است. البته برخی از دستیاران بایدن از جمله سالیوان فکر می‌کنند که تضعیف توان دفاعی و موشکی ایران، در کنار تضعیف قابل توجه نیروهای نیابتی منطقه‌ای اش، احتمال حمله موفقیت‌آمیز را بهبود می‌بخشد و خطر

تلافی‌جویانه ایران و منطقه‌ای را کاهش می‌دهد.

باراک راوید در بخش‌های از این نوشته ادعا کرده که چون در ماه‌های اخیر چندین مقام سابق و فعلی ایران به طور علنی درباره احتمال تغییر دکترین هسته‌ای ایران صحبت کرده‌اند و از سوی دیگر سالیوان معتقد است «ضرباتی که ایران و نیروهای نیابتی‌اش در سال گذشته دریافت کرده‌اند»، می‌تواند تهران را به سمت دستیابی به سلاح هسته‌ای سوق دهد، لذا این انتخاب‌های پیش روی ایران است که می‌تواند بسیار خطرناک باشد و این چیزی است که ما باید در حین پیشروی در مورد آن بسیار مراقب باشیم.

اما حتی اگر ایران تصمیم به ساخت بمب داشته باشد، باید یک کلاهک انفجاری هسته‌ای یا کلاهک بسازد. اطلاعات اسرائیل معتقد است که این کار حداقل یک سال طول می‌کشد. مقامات آمریکایی و اسرائیلی ادعا می‌کنند که طی سال گذشته، دانشمندان ایرانی تحقیقات مشکوکی در رابطه با تسلیحات هسته‌ای از جمله مدل‌سازی کامپیوتری و متالورژی انجام داده‌اند که به نظر می‌رسد با هدف کاهش زمان مورد نیاز برای توسعه یک دستگاه هسته انجام داده‌اند.

دولت بایدن در بهار گذشته هشدار خصوصی به ایران ارسال کرد که در آن نگرانی‌های جدی درباره فعالیت‌های تحقیق و توسعه هسته‌ای ایران ابراز کرده است. آمریکا و اسرائیل هر دو در چند ماه گذشته ادعا کرده‌اند که فعالیت‌های هسته‌ای مشکوکی را توسط دانشمندان ایرانی شناسایی کرده‌اند.

هرگونه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران چندان بی‌مخاطره هم نیست و اقدام و حتی تصمیم آن بسیار پرریسک است و پیامدهای متعدد، خطرناک و چند بعدی منطقه‌ای و بین‌المللی و حتی برای صلح جهانی دارد.

از همین منظر است که سناریوی سوم محتمل‌تر است و با جلسه‌ای در یک کشور حتی اگر آن کشور آمریکا باشد نمیتوان به این نتیجه رسید که چنین احتمالی وجود دارد. پس در مورد جلسه مذکور، میتوان جمع‌بندی کرد که هنوز بحث حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران در کاخ سفید جدی نیست و جلسه فوق برای بررسی حمله احتمالی به تأسیسات هسته‌ای ایران در صورت غنی‌سازی ۹۰ درصدی بوده که بدون نتیجه معینی تمام شده است و ظاهراً هدف اصلی بررسی سناریوها بوده است و نه اتخاذ تصمیم خاص.

جوسازی‌های روانی برای امنیتی کردن موضوع ایران آغاز شده است. اگرچه افرادی مانند جیک سولیوان معتقدند تضعیف ایران و توان دفاعی آن خطرات حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را کاهش داده، اما او با استناد به اظهارات علنی برخی مقامات ایرانی درباره توان فنی هسته‌ای ایران می‌گوید که باید تحولات هسته‌ای ایران را به دقت بررسی کرد.

منبع میدانم ایران قصدی برای استفاده از این دوره انتقالی در آمریکا برای هرگونه حرکت به سمت فعالیت‌های غیرصلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشد و امیدوارم ایران از این فرصت برای تقویت انسجام ملی استفاده کند و رویکردش بیشتر مدیریت اوضاع و مخصوصاً تعامل با آژانس انرژی اتمی باشد و به حل مشکلات داخلی برسد تا اثرات سناریوی سوم و بازگشت به دوران پیش از برجام که در آن ایران را کشوری تهدیدکننده امنیت جهانی خوانده بودند را از بین ببرد.

سخنان اخیر امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهور فرانسه در کنفرانس سفرای که ایران را «چالش اصلی راهبردی و امنیتی در خاورمیانه و برای فرانسه، اروپا، کل منطقه و حتی فراتر از آن» خوانده و هشدار داده که «تسریع برنامه هسته‌ای ایران، غرب را به نقطه شکست بسیار نزدیک کرده است» و دخالت ادعایی تهران در «جنگ روسیه علیه اوکراین»، «حمایت از گروه‌های خطرناک در تمامی صحنه‌های تقابل در خاورمیانه» و «تلاش برای گسترش نفوذ در آفریقا» را محکوم کرده است، نشان می‌دهد که تلاش‌ها برای امنیتی‌سازی چهره ایران و اجرای مکانیسم ماشه و بازگرداندن قطعنامه‌های سازمان ملل سرعت گرفته است. اخیراً هم آکسیوس به نقل از یک دیپلمات اروپایی نوشته اروپایی‌ها با تهمی و باطل اعلام کردن برجام، پیشنهاد جدیدی به ایران داده‌اند که تا سپتامبر ۲۰۲۵ به نتیجه برسد و در غیر اینصورت مکانیسم ماشه را فعال خواهند کرد.

حل این مشکلات میسر نیست، الا با اتخاذ روش‌های نرم و با مذاکرات اجماع ساز و فعالیت گسترده دیپلماتیک تا پرونده ایران مجدداً امنیتی تلقی نشود. در داخل نیز تغییر رویکرد حکمرانی برای همراه کردن مردم با حکومت که اولویت را به رعایت کرامت انسانی آنان با بهبود وضعیت اقتصادی، رفاه اجتماعی و سر و سامان دادن به خمود سیاسی اجتماعی در ایران بدهد، مورد نیاز است.

اینکه ما در قبال مشکلاتی که با آن رو به رو میشویم ابتدا روش‌های سخت‌افزاری و نظامی را حلال مسائل خود میدانیم، نه روش و رویه خوبی است و نه نشانه خوبی. دشمنان و مخالفین ایران به توانمندی‌ها و نقاط ضعف و قوت ایران بخوبی آشنا هستند. برگزاری مانور برای افزایش آمادگی رزمی خوب و مفید است، اما واجد پیامی برای آنها نیست. پیام افزایش انسجام ملی خود فی‌نفسه خاصیت بازدارندگی بیشتر و قطعی‌تری دارد.

دولت و نهادهای آن مخصوصاً دو وزارت خانه کلیدی کشور و امور خارجه مسئولیت سنگین‌تری در این زمینه دارند تا توازن را به نفع اقدامات سیاسی در جامعه در قالب حاکمیت‌گفتمان توسعه سیاسی و شادابی اجتماعی برگردانند. انشالله!